



روایت تهران

بهترین قصه‌های تاریخی تهران جایزه می‌گیرد

صفحه «روایت تهران» که بیش‌روی شماسست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرها، واقعه‌های تاثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد؛ با عکس‌های بازمانده از خاطرات تهران دیرپوز و قصه‌ها و ماجراهای پس‌پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشه‌پوری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و به شما «همشه‌پوریان همراه» هدیه می‌تقدیم می‌کند.
نشانی و شماره تماس ما: mahaleh@hamshahri.org و ۰۲۳۴۴۵-۴۴۴



این روایت تهران را با اسکن این کیوآر کد ببینید.



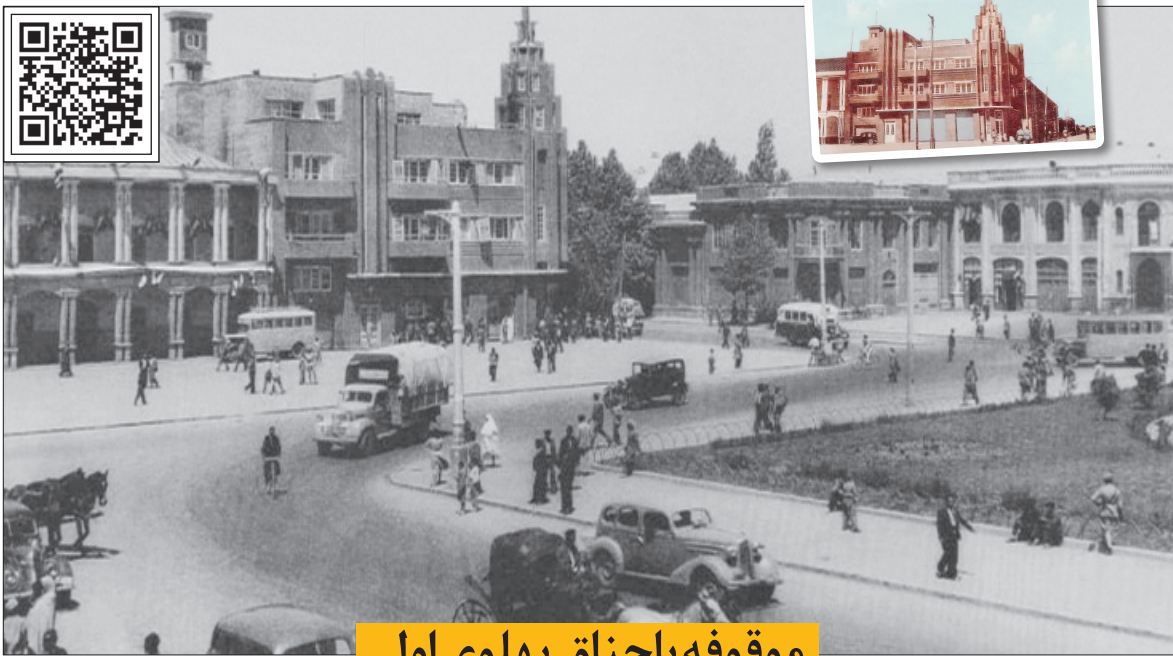
یکی از غمبارترین وقایع مشروطه در این عمارت رقم خورد

ستارخان و یارانش در باغ اتابک

پریسانوری
روزنامه‌نگار

در دوره قاجار در یکی از مناطق اعیان‌نشین آن روزگار، یعنی خیابان قوام‌السلطنه، عمارتی به دستور اتابک، صدراعظم ناصرالدین‌شاه، ساخته شد. این ساختمان محل زندگی اتابک و رفت‌وآمدهای سیاسیون آن دوران بود. پس از مرگ اتابک، وارثان عمارت و باغ را به ارباب جمشید، از تجار معروف زنتشتی، فروختند. این عمارت که در خیابان ۳۰ تیر قرار دارد توسط میرزا مهدی خان شقاقی، نخستین مهندس معمار ایران ساخته شد. مالک جدید عمارت اتابک که مشروطه‌خواه بود، ۲۰۰۰ سرباز بزرگ مشروطه یعنی ستارخان و باقرخان را هنگام ورودشان به تهران در عمارت خود جای داد. به دنبال سکونت این دو مشروطه‌خواه مشهور در عمارت، واقعه‌ای که آن را به عنوان واقعه باغ اتابک می‌شناسیم، حدود ۱۳ ماه پس از فتح تهران در این عمارت به وقوع پیوست. ماجرا به این شرح بود که چند روز پس از اسکان این دو سردار، مجلسی طرحی را تصویب کرد که به موجب آن تمامی مجاهدان و مبارزان غیر نظامی، از جمله ستارخان و افرادش، موظفند سلاح‌های خود را تحویل دولت دهند. اما یاران ستارخان زیر بار این موضوع نرفتند و حاضر نشدند خود را خلع سلاح کنند. به تدریج مجاهدان دیگری که با این طرح مخالف بودند به ستارخان و یارانش پیوستند و در عمارت اتابک تجمع کردند. این موضوع موجب هراس دولت مرکزی شد و زمینه شکل‌گیری یکی از غمبارترین رویدادهای تاریخ مشروطه را رقم زد. ماجرا از این قرار بود که در نخستین روز شعبان ۱۳۲۸ قمری قوای دولتی که در مجموع ۳۰۰ نفر می‌شدند، باغ اتابک را محاصره کردند و پس از چندبار فرستادن پیغام، به باغ حمله کردند. در این نبرد نابرابر که ۴ ساعت طول کشید، ۲۰۰ نفر از یاران ستارخان به‌دست قوای دولتی کشته شدند. سردار راه‌پشت‌پام را در پیش‌گرفت، اما در مسیر پله‌ها در یکی از راهروهای عمارت، تیری به پایش خورد و مجروح شد. نظامی‌ها او را دستگیر و یارانش را خلع سلاح کردند. اکنون این ساختمان در اختیار سفارت روسیه است.

این روایت تهران را با اسکن این کیوآر کد ببینید.



موقوفه باجناق پهلوی اول

ماشین‌آلات، کارخانه‌های به‌نام اشتون لیستر تأسیس کرد و به همین دلیل به احمدلیستر معروف شد. حوزه واردات و وارد شدن به جرگه بازرگانان برای او بسیار موفقیت‌آمیز بود و ثروت زیادی را برایش به همراه آورد. احمد لیستر وقتی باجناق پهلوی اول شد، دیگر آوازه شهرت را بر خود تمام کرد، اما شهرتش و باقی ماندن نامش فقط به دلیل ثروت و نسبتش با پهلوی اول نبود. دلیل اصلی ماندگار شدن اسم او در تاریخ، ماجرای قتل پسر بزرگش، فرخ‌شاه، به‌دست پسر کوچکش فرامرز، بود که تا مدت‌ها در روزنامه‌ها و مجلات چاپ می‌شد. بعد از اعتراض فرامرز احمدلیستر دارایی‌هایش را وقف کرد تا ثروتش به پسر قاتلش نرسد. این ساختمان درست ابتدای خیابان امام خمینی (ره) و روبه‌روی بانک سپه فعلی بود که هنگام ساخت ایستگاه متروی امام خمینی (ره) تخریب شد.

در میدان توپخانه تهران، در ضلع مقابل بانک شاهی عمارت موقوفه احمدخان لیستر قرار داشت. اما او با این نام عجیب و غریب که بود و آن عمارت مشهور چه شد؟ احمد میرسیاسی معروف به «احمدلیستر»، شخصی است که داستان جالبی درباره‌اش نقل می‌شود؛ او ابتدا راننده و نوق‌الدوله، نخست‌وزیر ایران و از دولتمردان تاثیرگذار اواخر دوره قاجار و برادر احمد قوام (قوام‌السلطنه) بود. بعدها راننده احمدشاه قاجار و سپس راننده رضاخان شد. احمد میرسیاسی به خاطر هوشی که داشت به راحتی توانست با اروپاییان رابطه برقرار کند. بازرگانی را به‌سرعت آموخت و از کارخانه‌های در انگلستان که متعلق به اشتون لیستر بود نمایندگی گرفت. اشتون لیستر در زمینه ماشین‌آلات کشاورزی فعالیت می‌کرد. احمد لیستر بعد از کسب مجوز نمایندگی

زهرا بلندی
روزنامه‌نگار

این روایت تهران را با اسکن این کیوآر کد ببینید.



میدانی به نام چند واقعه تاریخی

دهه ۵۰ شمسی و در خلال ساخت بزرگراه مدرس امروزی که آن زمان جاده سوم پایتخت خوانده می‌شد، این نقطه از پایتخت به یکی از مسیرهای ارتباطی تهران تبدیل می‌شود. در آن روزگار بسیاری از مردم از شمیرانات برای کار در تهران به اینجا می‌آمدند و خودروهایشان را همین جا پارک می‌کردند. بر این اساس، دولت وقت برنامه‌هایی برای ایجاد یک پارکینگ را در میدان ۲۵ شهریور آغاز می‌کند و بیش از ۵۰ سگواره و محل کسب را در این حوالی می‌خرد و می‌کوبد تا پارکینگی با ظرفیت هزار خودرو بسازد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران اما نام میدان ۲۵ شهریور تهران ابتدا به رضایی‌ها تغییر می‌کند که یادآور ۴ عضو یک خانواده بود که در رژیم شاه کشته شده بودند. بعد از حادثه هفتم تیر ۱۳۶۰ و شهادت ۲۲ نفر از دولتمردان، نام میدان به هفتم تیر تغییر کرد.

۲۵ شهریور ۱۳۲۰ یادآور چند اتفاق تاریخی است؛ روس‌ها به ایران آمدند، رضاشاه برای همیشه از ایران رفت، پسرش را به جای او نشاندهند تا روی دیگری از یک حاکم مستبد را برای ۳۷ سال در ایران به نمایش بگذارند و در کنار همه این وقایع، همین تاریخ برای مدتی به‌عنوان نام یکی از میدان‌های پایتخت انتخاب شد. تاریخ برای ما روایت می‌کند که حدود نیمه‌دوم دهه ۴۰ شمسی، بعد از اینکه شاه دست‌نشانده تاج‌گذاری می‌کند و بر تخت سلطنت می‌نشیند، یکی از ورودی‌های مهم تهران آن زمان را به میدان تبدیل می‌کند و نام ۲۵ شهریور را بر آن می‌گذارند. میدان هفت تیر امروزی که یکی از میدان‌های مهم و مرکزی شهر تهران است، همان میدانی است که روزگاری ۲۵ شهریور نام داشت. در اوایل

نصیبه سجادی
روزنامه‌نگار

این روایت تهران را با اسکن این کیوآر کد ببینید.



نجات معجزه‌آسا از زیر آوار

پسریچه ۱۱ ساله‌ای روبه‌رو شد که بر اثر شدت موج انفجار میان آسمان و زمین گیر کرده و مثل یک عکس و شیشه یک تابلوی نقاشی به دیوار چسبیده بود. حدود یک‌ساعت و نیم طول کشید تا بچه که بعدها مشخص شد نامش مهدی است از میان آوار بیرون آورده شود. البته به‌غیر از مهدی، پدر بزرگ، خواهر و دایی‌اش هم آنجا بودند که با راهنمایی‌هایش آنها هم نجات یافتند. بخش تلخ ماجرای موشکیاران وحیده در چند خانه آن طرف‌تر از پسریچه رخ داد. چون در یکی از این خانه‌ها مراسم عروسی برپا بود و همین مسئله باعث شد تعداد شهدا و مجروحان این حمله موشکی بیشتر شود. براساس آمارها در اثر اصابت این موشک با محدوده مسکونی وحیده، ۳۷ نفر از اهالی شهید و ۱۱۴ نفر زخمی شدند. این عکس از آن روز وحیده ثبت شده است.

۱۴ اسفند سال ۱۳۶۶؛ زمانی که مردم خودشان را برای نوروز آماده می‌کردند و همزمان تهران زیر بارش موشک‌های عراقی قرار داشت، ناگهان صدای انفجاری در منطقه وحیده شنیده شد. مردم و امدادگران به سرعت خودشان را به وحیده رساندند. علی کارزونی یکی از امدادگران آن روزها درباره انفجار موشک در وحیده تعریف کرده: «بر اثر اصابت موشک‌های عراقی تعدادی از واحدهای مسکونی تخریب شده و ابری از دود و غبار محل حادثه را فرا گرفته بود. خیلی زود کار جست‌وجو را شروع کردیم.» روایت‌های این حادثه تلخ و شیرین است چون امید به زنده‌ماندن افراد زیر آوار خیلی کم بود اما هنگام جست‌وجو آقای هولاکویی یکی دیگر از امدادگران جوان صدایی شنید، برای همین با احتیاط بیشتری آوارها را برمی‌داشت. ناگهان با

مریم باقرپور
روزنامه‌نگار

این روایت تهران را با اسکن این کیوآر کد ببینید.



شاهکار گورکیان در کاخ دادگستری

کشفیات تازه باستان‌شناسی در تخت جمشید و شوش و همچنین علاقه‌مندی او به تاریخ این سرزمین بوده است. در نمای اصلی ۴ ستون بزرگ اصلی و در ۲ جناح ۴ ستون باریک وجود دارد. در سردر اصلی بنا، آرم شیر و خورشید بوده که در سال ۱۳۵۷، آرم برداشته شده و آرم جمهوری اسلامی ایران نصب شده که این عمل نیز به خوبی انجام شده است. در دو طرف ساختمان ورودی، ۲ صفحه حجاری شده وجود دارد که تصویری است از قضاوت در حالت‌های نشسته و ایستاده که بعضی قلم و بعضی دیگر کتایب بزرگ در دست دارند و همگی نگاهی خاص به نقطه‌ای دارند که نشان‌دهنده اقیانوس دور است. برای تماشای این بنا تاریخی باید به محدوده مرکزی تهران، خیابان پانمار، خیابان شوش و خیابان خیام بروید.

ساختمان باشکوه و بسیار زیبای کاخ دادگستری، واقع در خیابان خیام توسط معماری چیره‌دست و طراحی زبردست به نام «گابریل گورکیان» ساخته شد. این معمار سرشناس ارمنی توانست به بهترین شکل ممکن کاخ دادگستری را بسازد. این اثر تاریخی با شماره ثبت ۱۴۶۱۴ در ۱۶ اسفند سال ۱۳۸۴ در فهرست آثار ملی ایران قرار گرفت. گابریل گورکیان که نامش بین شخصیت‌های جهانی معماری مدرن مطرح است، در ساخت ساختمان دادگستری و در کلیت بنا از جناح‌های ساختمانی مدرن و متقارن و نئوکلاسیک که چند حیطه دارد، استفاده کرده و در تقسیم‌بندی بنا به ۳ بخش و جناح مرکزی تاکید زیادی شده است. روی نمای ساختمان نقوشی برجسته به سبک نو هخامنشی دیده می‌شود که به‌دلیل

رضا نیکام
روزنامه‌نگار